

تاریخ و فراموشی

شترق: «ساحره» اولین اثری است که از گنورگ دراکمان، نویسنده معاصر رومانیایی-مجارستانی، به فارسی منتشر شده است. «ساحره» که در واقع سومین رمان این نویسنده به شمار می‌رود با ترجمه ابوالفضل الله‌ادی در نشر نو به چاپ رسیده است. دراکمان که به جز نویسنده به عنوان مترجم هم شناخته می‌شود، در سال ۱۹۷۳ در رومانی متولد شد. اما در کودکی به همراه خانواده‌اش رومانی را ترک کرد و به مجارستان پناهنده شدند و رمان هایش را هم به زبان مجاری می‌نویسد. خود او درباره مهاجرت در کودکی‌اش نوشته: «آن زمان پانزده سالم بود. این مهاجرت برای ما یک جور آزادی به شمار می‌آمد. گرچه مجارستان هنوز کشوری کاملا آزاد نبود، من آن را آزاد می‌دیدم. به چشم خانواده‌ام، مجارستان آن روزها سرزمین آزادی بود. چند هفته‌ای طول کشید تا فهمیدم این آزادی هم حد و حدودی دارد. سپس رژیم شوروی سقوط کرد. پانزده سالگی برای من دوران سرخوشی بود؛ مجارستان آزاد شده بود و من عاشق زنی بومم که بعدها شد همسرم… فکر می‌کنم توأمم هنوز هم از همان سال‌ها می‌آید.»

آن‌طورکه مترجم «ساحره» در یادداشت کوتاهش در ابتدای کتاب توضیح داده، دراکمان تمام دوران تحصیلاتش را در مجارستان می‌گذراند و از دانشگاه بوداپست دکترای ادبیات مدرن انگلیسی می‌گیرد. او در عرصه ترجمه آثاری از ساموئل بکت، جیمز جویس، یان مکا ایونو و اروین ولسش را به زبان مجاری برگردانده است. او در جایی گفته برای داستان‌نویسی بهتر است ابتدا به سراغ ترجمه رفت؛ ترجمه مدرسه‌ای مفید برای نویسندگی است!

اولین رمان دراکمان در سال ۲۰۰۲ با عنوان «کتاب تخریب» منتشر شد که جایزه‌ای معتبر هم به دست آورد. سه سال بعد او دومین رمانش را با نام «شاه سفید» منتشر کرد که این نیز با اقبال خوبی مواجه شد و در بیش از ۲۰ کشور ترجمه و منتشر شده است. «ساحره» سومین رمان دراکمان به شمار می‌رود که در سال ۲۰۱۴ به زبان مجاری منتشر شد و نسخه فرانسوی آن را انتشارات گالیمار در سال ۲۰۱۸ روانه بازار کرد.

«ساحره» روایتی است از رومانی پس از جانوشکسو گرچه در آن به صورت مستقیم

به مناسبت انتشار «سال‌های شاگردی ویلهلم مایستر» اثر گوته

گوته و هم‌لتی دیگر



لوکاج در تحلیل «سال‌های شاگردی ویلهلم مایستر» بر ارتباط میان فرد و اجتماع تاکید می‌کند. موضوع قابل توجه این است که در این روایت برای پاسخ‌دادن به درونی‌ترین خواست‌های فردی باید ساختارهای اجتماعی را جست‌وجو کرد. به این ترتیب ارتباطی دوسویه میان فرد و جهان اجتماعی بیرونی برقرار می‌شود و بلوغ فردی با شکوفایی انسان از این مسیر محقق می‌شود؛ چنین بلوغی، آرمان انسانیتی است آزاد که تمام ساختارهای زندگی اجتماعی را شکل‌های ضروری همبودی انسانی تلقی می‌کند اما با این همه، این ساختارها را فقط عرصه و موقعیتی می‌داند که در آنها ذات اساسی زندگی به شیوه‌ای فعال بیان می‌شود؛ و در نتیجه آنها را نه چون وجود برای خود سیاسی و حقوقی، بلکه به عنوان ابزارهای ضروری هدفی که از این ساختارها فراتر می‌روند تصاحب می‌کند». بر این اساس لوکاج معتقد است که گوته در «سال‌های شاگردی ویلهلم مایستر» راه میانه‌ای را بین ایده‌الیسم انتزاعی که کاملا معطوف به عمل ناب است و رمانتیسم که عمل را درونی کرده و به نظاره‌گری تقلیل می‌دهد می‌جوید. در این بستر، ساختار شخصیت‌ها و سرنوشت‌ها، ساختار محیط اجتماعی آنها را تعیین می‌کند و به تعبیر لوکاج با یک حالت بنیابین روبه‌رو هستیم؛ ساختارهای زندگی اجتماعی نه بازتاب‌های جهانی استعلایی و استوار و مطمئن هستند و نه نظمی بسته در خود با پیوندهایی روشن که با این پنداشت که خود غایت خویش است به حقیقت مطلق تبدیل شود.

لوکاج معتقد است که جهان رمانی چون این رمان گوته به‌هیچ‌وجه خالی از خطر نیست. در این جهان از یک سو دسته‌های از آدم‌ها به دلیل ناتوانی از انطباق خویش به سوی نابودی می‌روند و دسته‌های دیگر هم با تسلیم زود هنگام و بی‌قنای و شرط‌شان در برابر واقعیت در ارزیابی خطری که پیش‌رویشان است ناتوان می‌شوند. در این جهان رستگاری از پیش تعیین‌شده‌ای وجود ندارد ل‌گرچه راه‌های رستگاری فردی وجود دارد و می‌توان دسته‌های از آدم‌ها را هم دید که بدرغم همه خطاها و گمراهی‌هایشان در کنار هم به مقصد می‌رسند. ازاین‌رو به اعتقاد لوکاج حس قدرت و نیرویی که از این نوع رمان بیرون می‌زند از تعدیل شخصیت مرکزی‌های ایزدی برخیزد که به نوبه خود به این باور متکی است که امکان حیات سرنوشت‌های مشترک وجود دارد و می‌توان ساختارهای مشترکی را بر زندگی تحمیل کرد.

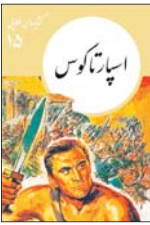
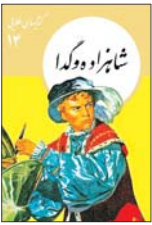
حرفی از دیکتاتور به میان نیامده است. «شاه سفید» نیز در رومانی می‌گذرد یعنی کشوری که دراکمان سال‌هاست آن را ترک کرده. خود او درباره این دو اثر و انتخاب رومانی برای مکان داستان‌ها نوشته: «این رومانی‌ای است که من خلق کرده‌ام. اگر روی نقشه جغرافیا دنبالش بگردید پیدایش نمی‌کنید. قصد نداشتم کتابی تاریخی بنویسم. من درباره کودکی‌ام نوشته‌ام، منتهای کودکی‌ای که بازتولید شده. می‌خواستم درمورد چیزی بنویسم که خیلی خوب می‌شناسمش؛ سرزمین مادری‌ام. سال‌ها غصه کشورم را می‌خوردم و نمی‌توانستم به آن برگردم. با رمان‌هایم ویرانش کردم و دوباره ساختمش. روزی که فهمیدم باید آنجا را ترک کنم تصمیم گرفتم وطنم را در قلمب زنده نگه دارم. هر روز سعی می‌کردم خیابانی‌اش را به یاد بیاورم و فکر می‌کنم همین بازی از من نویسنده ساخت… بیست سال خواب این سرزمین را دیدم.»

راوی «ساحره»، دخترکی سیزده ساله است به نام اِما که با روایت روزمرگی‌هایش در کنار مادر بزرگی که تازه به وجود او پی برده، قصه رومانی سال‌های ۱۹۹۰ را نقل می‌کند که شبه‌دموکراسی در آنجا سربرآورده است. داستان در این فضا می‌گذرد و

داستان اندیشه‌ها

شرق؛ فلسفه و ادبیات از گذشته تاکنون پیوند عمیقی با هم داشته‌اند و در موارد متعددی چنان در هم‌تنیده‌اند که تفکیک‌ناپذیر به نظر می‌رسند. یکی از وجوه متمایز آثار افلاطون که شارحانش به آن اشاره کرده‌اند کلام آثا اوست. در تاریخ ادبیات و به خصوص در تاریخ رمان هم کم نیستند آثاری که می‌توان آنها را در دسته تاملات فلسفی جای داد. آثار نویسندگانی چون سارتر، پروست، روبرت موزیل و هرمان بروخ در شمار این دسته از رمان‌ها قرار دارند. «خوابگردها»، سه‌گانه‌ای از هرمان بروخ که با ترجمه علی‌اصغر حداد به فارسی منتشر شده، در بخش‌هایی طولانی به طور کامل فرم روایتی فلسفی دارد. بر این اساس این پرسش همواره وجود داشته که آیا داستان‌نویسی می‌تواند روش استدلال هم باشد؟ استیون لوکس در کتابی با نام «نگاهی به آرمان‌شهرهای سیاسی»، که اخیرا با ترجمه مانی صالحی‌علامه در نشر نیلوفر منتشر شده، همین پرسش را مطرح کرده و براساس آن این کتاب را نوشته است. عنوان فرعی این اثر «داستانی درباره اندیشه» است و دلیل نوشتنش هم دعوت به یک سخنرانی درباره حقوق بشر بوده است. استیون لوکس استاد علوم سیاسی و جامعه‌شناسی در دانشگاه نیویورک است. وقتی سازمان عفو بین‌الملل از او دعوت می‌کند سخنرانی با موضوع حقوق بشر در آکسفورد انجام دهد، او به سراغ متون پیشینی درباره حقوق بشر می‌رود و با بررسی آنها حیرت‌زده می‌شود. این متون به گفته او، مجموعه‌ای از استدلال‌ها و برهان‌های شناخته‌شده‌ای بود که نشان می‌داد چرا مسائل و سنت‌های نظری مختلف برای همراهی و پذیرش مفهوم حقوق و خصوصا حقوق بشر با مشکل مواجه می‌شوند؛ «پس به این نتیجه رسیدم که بهتر است پرسشی را مطرح کنم که در این نوشته‌های تحقیقی دیده نمی‌شود یعنی این پرسش که زندگی در جهانی که یکی از این فرضیه‌ها در آن به جهان‌بینی مسلط و اصل بنیادین تبدیل شده باشد چگونه خواهد بود؟ محصول آن یک سخنرانی بود تحت عنوان پنج قصه درباره حقوق بشر که در تالار شهر آکسفورد برگزار شد که از همان‌جا جست‌وجوی پرفسور کاریتا برای یافتن مساوات‌آباد (شهر برابری مساوات) شکل گرفت». استیون لوکس در آماده‌سازی این سخنرانی با پرسش کلی‌تر دیگری هم روبه‌رو می‌شود که به گفته خودش بیش از همه در نوشته‌های آریازیا برلین و جان رالز مطرح شده: پیامدهای سازماندهی حیات سیاسی و اجتماعی بر اساس یکی از ارزش‌های قیاس‌ناپذیر یا یکی از چند تصور از خیر با کنارگذاشتن بقیه ارزش‌ها و تصورات، چیست؟ «نگاهی به آرمان‌شهرهای سیاسی» در چنین بستری شکل گرفته است. این کتاب سفری است خیالی در فلسفه سیاسی غرب. پرفسور نیکولاس کاریتا، استاد دانشگاه، در میانسالی زندگی آرامی‌را سبری می‌کند اما با اتفاقی مجبور می‌شود از کنج آرام کتابخانه‌اش خارج شود و در مأموریتی برای یبداکردن بهترین جهان ممکن به کشورهای مختلفی سفر کند. او در سیر سفرهایش مجبور است با وضعیت پیچیده

اندیشه مدرن مواجه شود و واقعیت‌های فلسفه‌های سیاسی امروزین را در عمل مشاهده کند. کتاب با زبانی روان و طنزآمیز روایت شده و در ابتدای آن می‌خوانیم: «بدترین واقعه در زمان بازداشت پرفسور نیکولاس کاریتا این بود که عینکش را شکستند و له کردند. اصلا انتظارش را نداشتم و فکرش برایش ترسناک بود. آنها با تضعیف نگاه و سلبت او با بریدارها، سلطه خود را بر واقعیت اثبات و تقویت کردند. نیکولاس خود را در کتابخانه‌اش آرام نشسته بود و مطالعه می‌کرد در حالی که ردای مخمل سیاهش را که حاشیه خز سفید نقره‌ای داشت دور خودش پیچیده بود– همان



ساحره

گنورگ دراکمان

ترجمه ابوالفضل الله‌ادی

نشر نو

وقایع غیرعادی از زبان راوی عادی جلوه می‌کنند. داستان واقع‌گرایی شگفت‌انگیزی دارد که به گفته مترجم اثر، بازگردانی است از بحث‌های فلسفی پل ریکور؛ خاطره و تاریخ و فراموشی و نیز مصیبت و حقیقت و آزادی. راوی این داستان، اما، استعاره‌ای است از جامعه‌ای در حال گذار که انسان‌ها و موقعیت‌های اطرافش را مورد پرسش قرار می‌دهد. در بخشی از این رمان می‌خوانیم: «بیدار که می‌شوی می‌فهمی بالاخره خوابت برده. تصور می‌کنی با صدای آوازی بیدار شده‌ای، خواب دیده‌ای کسی ترانه غم‌انگیز می‌خواند و بعد که چشم‌هایت را باز می‌کنی می‌دانی خواب ندیده‌ای، این صدا از بیرون می‌آید، از خیابان، از پشت پنجره‌های بسته و پرده دوتکه کشیده شنیده می‌شود و آواز نیست، فقط آواز نیست. نمی‌خواهی بشنوی، نمی‌خواهی ببینی، نمی‌خواهی از تخت بیرون بروی، نمی‌خواهی بلند شوی، نمی‌خواهی پرده دوتکه را کنار بزنی تا نگاهی به خیابان بیندازی و با وجود این بلند می‌شوی و می‌روی سمت پنجره و به بیرون نگاه می‌کنی. هنوز روز نشده، همه چیز سرد است و خاکستری، آسمان، اسفالت، درخت‌ها، همه چیز».

ردایی که همیشه در بحث و جدل‌های شبانه‌اش با متفکران عصر روششنکری بر تن می‌کرد. دیروقت به بستر رفته و خوب نخوابیده بود چون با توجه به سرنوشت بسیاری از دوستانش، با ناراحتی می‌دانست که روزهای آزادی برای او کم‌کم به آخر می‌رسد. اما سعی نکرده بود مخفی شود. او همیشه از دخالت در امور سیاسی اجتناب می‌کرد. خودش را یک محقق، متخصص تاریخ اندیشه‌ها و یک فیلسوف می‌دانست و بنابراین فکر می‌کرد یا امیدوار بود که آدم مهمی به شمار نمی‌رود.»

«زندگی یک سفر است» با عنوان فرعی «پزشکی از تبار رنسانس نوین» عنوان کتابی است از رضا نیلی‌پور که این نیز اخیرا در نشر نیلوفر منتشر شده است. این کتاب معرفی مختصری است از جرالد ادمن، پزشک و نوروساینست معاصر و برنده جایزه نوبل. کتاب در چهار بخش تنظیم شده است. بخش اول چکیده‌ای است از زندگی‌نامه شخصی و علمی ادمن. بخش دوم به معرفی ابعاد شخصیت علمی ادمن از نگاه سه نفر از نوروساینست‌های معاصر و همکاران آشنا با روند تحول آثار علمی او اختصاص دارد. در بخش سوم بعضی از خصوصیات برجسته ذهن بدمنده، چکیده‌ای از آخرین پژوهش‌های ادمن برای ساخت داروین‌های هوشمند مغزبنیان بر اساس آخرین کتاب او با عنوان «طبیعت ثانوی: علم مغز و معرفت بشر» مرور شده و در آخرین بخش هم چکیده‌ای از نظریه تکوینی گروه‌اندیشی نوروئی ادمن ارائه شده است. به جز پیشگفتار نویسنده، این کتاب پیشگفتاری هم به قلم دکتر خسرو پارسا دارد و او در بخشی از یادداشتش ادمن را انسان برجسته و خلاق نامیده که تک‌ساختی نیست. ادمن در چند عرصه مختلف به فعالیت علمی پرداخته؛ او علاوه بر دریافت جایزه نوبل پزشکی در کشف ساختار شیمیایی آنتی‌بادی‌ها در سال ۱۹۷۲ در عرصه‌هایی دیگر نیز دستاوردهای قابل توجهی داشته است از جمله در زمینه تشخیص بیماری‌های ایدمن، شناسایی. آن‌طورکه نویسنده کتاب یعنی کتاب یادداشتش توضیح داده، ادمن علاوه بر اشراف بر دانش عمیقی در نوروساینس، در موسیقی، ادبیات و هنرهای تجسمی نیز از بینش علمی عمیقی برخوردار بود. ویژگی دیگر کار او، دامنه گسترده دسترسی به منابع نظریه‌های مختلف رشته‌های علوم شناختی سنتی و مکاتب فلسفی همراه با نگاه انتقادی خود به مبانی نظری علوم پیشین و البته دامنه حافظه بی‌ظنیر او بوده است.

کتابی از کیوان نریمانی با عنوان «استاد شطرنج‌باز را چه کسی کشته است»، عنوان اثر دیگری است که در نشر نیلوفر به چاپ رسیده است. نریمانی این کتاب را یک «ماتا گویه» نامیده و در توضیح آن نوشته که ماتا گویه واژه‌ای است برساخته از ماتیکان یعنی کتاب به گونه‌ای که برای پیشمهای اوست به جای منظومه و شعر بلند. به نظر او، این واژه می‌تواند دربرگیرنده تمامی سروده‌های بلند باشد. در این کتاب رد نوشته‌های باستانی دیده می‌شود و نریمانی در بخشی از یادداشت کوتاه ابتدای کتاب نوشته: «در کاربرد نوشته‌های باستانی دیگر مانند آدبی، عیلمی، آرامی، پارسی باستان، سنسکرت، اوستایی (دین‌بیره) و مانوی، از برگرداننده‌ها، خوانش‌ها و ویراست‌های پایه‌ای استادان آن زبان‌ها بهره برده‌ام، البته خود نیز چون شاگردی نوآموز، آن پاره‌هایی را که می‌خواسته‌ام، با اصل متن‌ها و یا ترانویسه و برگردان واژه به واژه آن‌ها، چه به شکل حرف نوشته و چه آوانوشته، هم‌سنجی و مصمیم دارد کرده‌ام. در آخر، برگرداننده‌ها، آمیزه‌ای شده از آنها و نه از آن‌ها.»



و نیز چون نویسندگان این‌قسه‌ها، در کتاب‌هایشان، انشای خود را با معلومات کودکان در سنین مختلف منطبق کرده‌اند، اغلب این‌قسه‌ها تفاوت‌هایی که با قسه‌هایی نظیر خود دارد و گاهی مختصتر و گاهی ساده‌تر نوشته شده؛ اما قسه، در‌هرحال، قسه است و کم‌وبیش نتیجه‌های خوب و پندها و نکته‌های مفید با خود همراه دارد.»

«سفیدبرفی و گل سرخ»، «شاهزاده و گدا»، «اسپارتاکوس» و «خیاط کوچولو» عناوین کتاب‌هایی است که مدتی پیش در قالب این مجموعه منتشر شدند. به‌جز «خیاط کوچولو»، که با ترجمه هومان قشقائی منتشر شده، سه کتاب دیگر را محمدرضا جعفری به فارسی برگردانده است. «شاهزاد و گدا» از داستان‌های مشهور مارک تواین است، داستانی که در آن یک گدا برای چند روز شاهزاده می‌شود و شاهزاده‌ای که برای چند روز گدا می‌شود و این اتفاق به نتیجه‌ای خوشایند منجر می‌شود. شاهزاده که چند روزی در میان مردم عادی به سر برده بود با آرد و نان گدا شده می‌شود و مصمیم می‌گیرد زمانی که تاج‌گذاری می‌کند یا گداگری با مردم رفتار کند.

مارک تواین، اسپارتاکوس و داستان‌هایی دیگر

و در میان آنها داستان‌های مشهوری هم به چشم می‌خورد. یکی از آنها همین داستان «تهنگ سفید» است که مدتی پیش به چاپ رسید. «تهنگ سفید» یا «موبی‌دیک» از هرمان ملویل عنوان کتاب سوم این مجموعه است؛ داستانی کلاسیک که جایگاه مهمی در ادبیات جهانی دارد و بسیار مورد توجه بوده است. این کتاب داستان نبرد یک ناخدا با نهنگی سفید است و به تعبیری نبرد دریاست. ناخدا می‌خواهد از تهنگ سفید انتقام بگیرد و بسیاری از مفسران معتقدند که این نبرد و انتقام‌گیری نبردی میان خیر و شر است. «آرتورشاه و دلاوران میزگرد» هم از داستان‌های شهسواری است؛ داستانی مربوط به پادشاهی بزرگ در انگلستان با نام آرتورشاه. در ابتدای قصه این توضیح آمده که داستان آرتورشاه نه افسانه بلکه حقیقی است و هیچ‌کس نمی‌داند که او در چه زمانی و بر



سال‌های شاگردی

ویلهلم مایستر

یوهان ولفگانگ فون گوته

ترجمه امیر معدنی‌پور

نشر کتاب فانوس